

**An Analytical Study of the Military science and technology in the epic Parts of persian love Poems (4-6th Century)**

marjan Ebrahimikouhbanani<sup>1</sup>

Received Date:28Jul2021

Maryam shayegan<sup>2</sup>

Reception Date:6Oct2021

Mohammad Hojjat<sup>3</sup>

**Abstract**

Education is one of the most fundamental and widely discussed topics of sustainability, and the book is the oldest teaching tool. The human tendency to poetry and the story illuminates his interest in love poems, which is a blend of poetry and story with a pleasant taste of love. Applying the scientific and technical teachings embedded in the texts of the stories while creating literary acceptance, provide suitable patterns for human daily life. For this reason, Persian love poems are valuable resources for understanding the various uses of science and technology including sustainability techniques. In addition to Persian literature students, such studies can be used by scholars in a variety of scientific and art fields such as history, sociology, painting, filmmaking and even designing, inspiring new equipment and achieving fine art. Industry and so on. By examining the systems in question, the authors have identified the past, the principles and techniques of sustainability in three sections. Pre-war: A- Includes the need for man-made defense training focused on martial arts training, financial backing, and the unification of different ethnicities, the importance of combat equipment. B- During the war: Corps setup, use of combat tools and martial arts such as rifles, ditches, ambushes, mines, etc. C- After the war: trying to develop, Maintaining the alertness and appreciation of the troops. In addition, attention to spirituality in the form of prayer, thanksgiving, asking for help, praying for good and trusting in God is clearly seen in most of the verses.

Keywords: Sciences, Techniques, epic , Military , Love poems.

---

<sup>1</sup>PhD student in Persian language and literature, Kerman branch, Islamic Azad University of Kerman, Iran.

<sup>2</sup>Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. (Corresponding Author)  
maryamshayegan46@yahoo.com

<sup>3</sup>Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

[https://dx.doi.org/ 10.30510/PSI.2022.301920.2207](https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.301920.2207)**بررسی تحلیلی علوم و فنون نظامی در بخش‌های حماسی منظومه‌های عاشقانه فارسی (قرن ۶-۴)**مرجان ابراهیمی کوهبانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶

مریم شایگان (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۴

محمد حجّت<sup>۳</sup>**چکیده**

قدمت مبحث پایداری، سبب گسترش و تنوع مسائل مربوط به آن شده که آموزش، بنیادی‌ترین آنهاست. کتاب، یکی از ابزار آموزش فنون و مهارت‌های زندگی است. شعر و داستان هر دو، از علاقه‌مندی‌های انسان‌هاست که طبع بشر بدان متمایل است. تلفیق شعر و داستان با چاشنی دلپذیر عشق را می‌توان در منظومه‌های عاشقانه دید. به کارگیری آموزه‌های علمی و فنی نهفته در متن داستان‌ها، می‌تواند ضمن ایجاد التذاذ ادبی، سبب ارائه الگوهای مناسب برای زندگی روزمره انسان شود. به همین دلیل، منظومه‌های عاشقانه فارسی، منابع ارزشمندی برای آگاهی از کاربردهای متفاوت علوم و فنون از جمله فنون نظامی است. پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند علاوه بر دانشجویان ادبیات فارسی، مورد استفاده پژوهشگران عرصه‌های علمی و هنری مختلفی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، نقاشی، فیلم‌سازی و حتی الگوبرداری در طراحی‌ها، الهام‌بخشی برای ساخت تجهیزات جدید و دستیابی به ریزه‌کاری‌های صنعتی و ... قرار گیرد. نگارندگان با بررسی منظومه‌های مورد نظر پی بردند گذشتگان، علوم و فنون نظامی را در سه بخش مورد توجه قرار داده‌اند. الف- پیش از جنگ: شامل لزوم آمادگی دفاعی با عنایت به نیروی انسانی با محوریت آموزش مهارت‌های رزمی، پشتوانه مالی و اتحاد اقوام مختلف، اهمیت تجهیزات جنگی و برپایی رزمایش برای نشان دادن قدرت نظامی. ب- در حین جنگ: آرایش سپاه، استفاده از ابزارآلات جنگی و تکنیک‌های رزمی چون شیبخون، کمین، خندق، مین‌گذاری، خدعه و فریب و ... متناسب با شرایط موجود- پس از جنگ: تلاش در جهت آبادانی، حفظ قدرت و هوشیاری و تقدیر از سپاهیان. ضمن آنکه توجه به معنویات به صورت نیایش در قالب شکرگزاری، درخواست یاری، دعای خیر و توکل به خداوند در بیشتر منظومه‌ها، به وضوح دیده می‌شود.

**واژگان کلیدی:** علوم، فنون، حماسه، نظامی، منظومه‌های عاشقانه.<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.<sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. maryamshayegan46@yahoo.com<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

نقش علم در زندگی این است که راه سعادت، تکامل و راه ساختن را به انسان بیاموزد. علم، انسان را توانا می‌کند که آینده را همان‌گونه که می‌خواهد بسازد. بُعد تعلیمی ادبیات، پیشینه‌ای دیرینه دارد. کتاب‌ها، منابع ارزشمندی هستند که ما را در این مهم، یاری می‌دهند و «از آنجا که طبع بشر به شنیدن و خواندن قصه و داستان متمایل است، از قدیم‌ترین ازمینه مردم دیار ما نیز به آفرینش داستان‌ها و روایات، رغبت و علاقه فراوان، نشان داده‌اند.» (رزمجو، ۱۳۷۰: ۱۲۵). «در شعر فارسی، وسیع‌ترین افق معنوی و عاطفی، افق شعرهای غنایی است. مطالعه در تطور انواع غنایی در ادب فارسی، گسترده‌ترین زمینه بحث است.» (رزمجو، ۱۳۷۰: ۶۷). «یکی از شایع‌ترین گونه‌های شعر غنایی، منظومه‌های عاشقانه است.» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۹). منظومه‌های عاشقانه، از جمله آثاری هستند که ضمن جذابیت با در برداشتن احساسات و عواطف لطیف انسانی و هماهنگی با زندگی روزمره افراد جامعه، در بین اقشار مختلف، محبوبیت خاصی دارند. شاید به خاطر همین اقبال عمومی و سادگی بیان است که شاعران در ایجاد منظومه‌های عاشقانه، کوشا بوده‌اند. با توجه به اینکه: «حماسه اصلا و اساساً از شعر غنایی پدید آمده و از آن منبعث شده- است» (صفا، ۱۳۹۰: ۳۴) و «ادبیات پایداری، شاخه‌ای از درخت تنومند ادبیات حماسی است» (امیری خراسانی و اکرمی‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۱)، اهمیت بررسی فنون نظامی در منظومه‌های عاشقانه مشخص می‌شود.

از سوی دیگر، صفا در بیان وضع علوم در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم می‌نویسد: «دوره‌یی که مورد مطالعه ماست از حیث تکامل علوم و ظهور علمای بزرگ، مهم‌ترین دوره اسلامی است.» (صفا، ۱۳۶۹: ۲۵۹) و طبعاً این روند تا پایان قرن ششم که مدّ نظر این مقاله بوده، ادامه دارد. لذا از این منظومه‌ها، می‌توان به عنوان منابعی برای آگاهی از کاربردهای متفاوت علوم و فنون مختلف از جمله فنون نظامی در هر دوره استفاده کرد. از این رو، جایگاه ویژه منظومه‌های عاشقانه بر کسی پوشیده نیست.

چگونگی نگرش شاعر به علوم و فنون در اثر خود، علاوه بر بازتاب خیال شاعرانه و ابداع صور خیال در شعر، اطلاعات زیادی در مورد دیدگاه شاعر، زمان و مکان مورد بررسی و کاربردهای متفاوت علوم و فنون مختلف و حتی الگوپذیری و ایده‌پردازی نوین به خواننده می‌دهد. علوم و فنون نظامی می‌تواند به عنوان بخشی از سابقه درخشان دانش نظامی کشور مطرح شده و مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد.

## ۱-۱- بیان مسئله

قدمت مبحث پایداری، سبب گسترش و تنوع مسائل مربوط به آن شده‌است. یکی از این موارد، شناخت علوم و فنون مختلف نظامی در دوره‌های متفاوت است تا ضمن آشنایی با انواع آن، تحولات و مراحل پیشرفت نیز مورد بررسی قرار گیرد و به نوعی به آموزش غیرمستقیم بینجامد. منظومه‌های عاشقانه اگر چه ممکن است در ظاهر ارتباط چندانی با مسائل نظامی نداشته باشند ولی به دلیل ارتباط مستقیم با زندگی روزمره مردم، منابع خوبی برای شناسایی و استخراج علوم و فنون در ادوار گذشته است. اقبال و محبوبیت آن در بین اقشار مختلف جامعه، علاوه بر ایجاد التذاذ ادبی و آموزش علوم و فنون، چه بسا موجب الگوبرداری برای موارد مشابه، متناسب با پیشرفت علم و صنعت و تکنولوژی امروزی و بروز خلاقیت در این زمینه شود. ضمن آنکه با توجه به نتایج حاصله، راهبردهایی نیز در زمینه نظامی استنباط می‌شود. از این روی با محور قرار دادن منظومه‌های عاشقانه فارسی تا پایان قرن ششم به بررسی منظومه‌های مشهور و قابل دسترس در این محدوده زمانی خواهیم پرداخت.

## ۱-۲- پیشینه تحقیق

در بررسی مسائل نظامی و پایداری، در متون کهن فارسی - خصوصاً از زمان پیشگامی دانشگاه شهید باهنر کرمان در ایجاد شاخه پایداری در رشته زبان و ادبیات فارسی - با حجم انبوهی از مقالات مواجه می‌شویم. از جمله موارد مرتبط با موضوع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف- آرایش سپاه و فنون رزمی در دوره ساسانی و بازتاب آن در شاهنامه فردوسی (۱۳۸۹) از سلمان ساکت و دکتر محمدجعفر یاحقی که ضمن بررسی کتب تاریخی در این زمینه، شیوه‌های جنگی در داستان‌های شاهنامه را بی‌تردید برگرفته از دوره ساسانی می‌داند. ب- «نظامیات در ادبیات فارسی» (مطالعه موردی اسکندرنامه نظامی) (۱۳۹۴) از نقی فلّاح‌نژاد که شگردهای اسکندر را در نبرد، بررسی کرده. در این مقاله منظومه‌های عاشقانه نظامی و مسائل دیگر پایداری مغفول مانده‌است. ج- پایان‌نامه‌ای با عنوان «آیین‌ها و ابزارهای جنگ در شاهنامه فردوسی» (۱۳۸۹) از مجید حسین زاده بندقیری به راهنمایی دکتر امامی و جوکار، دانشگاه شهید چمران اهواز نیز وجود دارد که تنها به شاهنامه اکتفا کرده‌است. د- مقاله دیگری با عنوان «مضامین شاخص ادبیات پایداری در بخش حماسی شاهنامه فردوسی» (۱۳۹۶) از دکتر احمد فروزانفر، دکتر فریده داوودی‌مقدم و زهرا

عسگری اگر چه داستان‌های حماسی شاهنامه را مورد بررسی قرار داده اما به انگیزه‌های جنگ و بیان مضامین شاخص پایداری پرداخته‌است. هـ- مقاله‌ای در این زمینه از نگارندگان در هفتمین کنگره ادبیات فارسی ارائه شده که عناصر و مؤلفه‌های پایداری به همراه فنون رزم در دو منظومه «زال و رودابه» و «ورقه و گلشاه» مورد واکاوی قرار گرفته‌است. طبق بررسی‌های به عمل آمده کتاب یا مقاله‌ای با موضوع بررسی علوم و فنون نظامی در منظومه‌های عاشقانه با رویکرد آموزشی دیده‌نشده.

### ۱-۳- ضرورت تحقیق

امروزه، بسیاری از مسائل نظامی به سبب پیشرفت تکنولوژی و دستاوردهای نوین، دستخوش تغییرات اساسی شده اما در بیشتر موارد، ساخت تجهیزات و ابداع روش‌های جدید با الهام از دانش بشر کهن صورت گرفته‌است. انسان‌ها هیچ‌گاه از بهره‌وری از تجربیات و دانش گذشتگان بی‌نیاز نبوده‌اند. همین امر بر ضرورت تحقیق در متون گذشته تأکید دارد. هر چند منظومه‌های عاشقانه فارسی به عنوان آثار ادبی مورد توجه قرار گرفته‌اند اما به دلیل جایگاه ویژه آنها، می‌توانند منابع بسیار مهمی برای دستیابی به علوم و فنون نظامی دوره‌های مختلف، آگاهی از تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی در موارد گوناگون و تأثیر خاستگاه‌های متفاوت در استفاده از تجهیزات باشد. پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند علاوه بر دانشجویان ادبیات فارسی، مورد استفاده پژوهشگران عرصه‌های علمی و هنری مختلفی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، نقاشی، فیلم‌سازی و حتی الگوبرداری در طراحی‌ها، الهام‌بخشی برای ساخت تجهیزات جدید و دستیابی به ریزه‌کاری‌های صنعتی و ... قرار گیرد. همچنین ضرورت پژوهش در این حوزه از آن جهت است که می‌تواند پیش‌زمینه و مقدمه‌ای برای انجام پژوهش‌های گسترده‌تر و تخصصی‌تر در زمینه فنون نظامی باشد.

جامعه آماری در این پژوهش، منظومه‌های معروف و در دسترس عاشقانه از ابتدای قرن چهارم تا پایان قرن ششم شامل ۱۴ کتاب است. یادآور می‌شود به دلیل شهرت داستان‌ها در ارجاعات بین متنی از نام منظومه استفاده شده، ضمن آنکه فقط قسمت‌های مربوط به داستان عاشقانه، مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

### ۱. بحث

در معنی فن آمده‌است: فن: [fan[n] به معنی راه. روش. طرز. طریقه. اسلوب. شیوه. دانش. هنر. علم. (لغت‌نامه دهخدا). همچنین: ۱. کاری که نیاز به مهارت و شگرد خاص داشته‌باشد. ۲. صنعت؛ تکنیک ۳. حیل؛ مکر؛ فریب. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶). بررسی منظومه‌های

مورد نظر نشان می‌دهد گذشتگان، علوم و فنون نظامی را در سه بخش مورد توجه قرار داده‌اند.

۲-۱- علوم و فنون پیش از جنگ: شناسایی دشمن اعم از دشمن داخلی و خارجی، اولین اقدام در بحث نظامی است و بعد از آن پیش‌بینی موارد احتمالی و به کارگیری تدابیر لازم؛ از جمله: ۲-۱-۱- جنگ یا صلح؟ در آموزه‌های اسلامی- ایرانی ما، همواره جنگ تقبیح شده است. اگر چه مولا علی(ع) در خطبه ۲۷ نهج البلاغه به جهاد سفارش فرمودند(۱) اما در نامه ۵۳ ضمن دعوت به صلح، هوشیاری در این زمینه را خاطر نشان می‌فرمایند.(۲). در پاسخ به این سؤال که در منظومه‌های عاشقانه فارسی، تأکید بر چیست؟ جنگ یا صلح؟

نه دانش باشد آن کس را نه فرهنگ که وقت آشتی پیش آورد جنگ خسرو و شیرین:

۲۶۹

فردوسی در شاهنامه، به همان اندازه که به غیرت، حفظ ناموس و دفاع از میهن اهتمام می‌ورزد از صلح نیز به عنوان گزینه‌ای برای ایجاد پایداری و عدم استفاده از خشونت یاد می‌کند تا جایی که در اولین منظومه عاشقانه فردوسی با نام زال و رودابه، اخترشناسان از به دنیا آمدن فرزندی از این پیوند خجسته یاد می‌کنند که علاوه بر جنگیدن با دشمن، باعث برقراری صلح خواهد شد: «به خواب اندر آرد سر دردمند/ ببندد در جنگ و راه گزند» ( زال و رودابه: ۱۲۳). به اعتقاد شاعران حتی در صورت بروز جنگ نیز باید جایی برای آشتی گذاشت: «نه تو گفתי خداوندان فرهنگ / بمانند آشتی را جای در جنگ» (ویس و رامین: ۳۲۱). بنابراین در تمام این منظومه‌ها در ادوار مورد نظر از ترفندهایی، استفاده می‌شده که اساساً جنگی رخ ندهد تا کوچک‌ترین آسیبی به کسی یا جایی وارد نشود. حتی اگر بنا به ضرورت، جنگی هم رخ داده بیشتر از روی ناچاری و البته به عنوان آخرین گزینه انتخاب شده است. به طور کلی آنچه در پاسخ به سؤال جنگ یا صلح، تقریباً در تمامی منظومه‌ها بدان اشاره شده، در این بیت خلاصه می‌شود:

اگر مردی ز دشمن، دل مکن تنگ مدارا کردن اولی تر هم از جنگ بلبل‌نامه:

۸۳

اشاره به پاسخ این سؤال از آن جهت ضروری به نظر می‌رسید که بررسی علوم و فنون نظامی در منظومه‌ها، ترغیب به جنگ و خشونت نبوده بلکه ضرورت آشنایی با فنون نظامی باعث ایجاد ثبات در کشور و مقابله با تهاجم بیگانگان می‌شود که برای حفظ مرز و بوم اهمیت زیادی دارد.

۲-۱-۲-آمادگی دفاعی: داشتن آمادگی دفاعی در قالب لشکری متحد و کارآمد برای مواقع ضروری، لازم است:

لشکر از بهر صلح باید و جنگ کاین نباشد چه آدمی و چه سنگ هفت پیکر: ۱۲۷

در گرشاسب‌نامه نیز در توصیف شهری آباد که در و دشت و کوهش همه باغ و کشت و مثل بهشت بود؛ به سپاه و یلان نبرد آماده رزم، نیز اشاره شده است. (گرشاسب‌نامه: ۲۲) البته داشتن آمادگی، به مؤلفه‌هایی بستگی دارد که می‌توان آنها را به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۲-۱-۲-۱- نیروی انسانی: الف- مهارت رزمی: تبخّر در جنگ از چنان اهمیتی برخوردار بود که جزو مفاخرات آن دوران به شمار می‌آمد و فردوسی از آن به عنوان هنر و فن یاد می‌کند. (شاهنامه، ج ۱، زال و رودابه: ۱۲۱).<sup>۱</sup>

دکتر کزازی در توضیح بیت معروف: «هنر نزد ایرانیان است و بس / ندارند کَرگ ژیان را به کس» (شاهنامه، ج ۷، بهرام و سپینود: ۳۲۴)، می‌نویسد: «به کس نداشتن یعنی به هیچ شمردن؛ خوار و بی‌ارزش دانستن. این بیت بلند و دلپسند در پارسی، دستان شده است ... از هنر، شایستگیها و توانهای رزمی خواسته شده است.» (کزازی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۹۰۳). این مفهوم تا قرن‌ها بعد رواج داشته است.<sup>۲</sup> مردان مبارز جزو سرمایه‌های عظیم کشورها و امیران محسوب می‌شدند. منجمان در پیش‌بینی فرزند زال و رودابه نیز او را بی‌مانند در رزم و کمر بسته شهریاران و پناه سواران ایرانی توصیف می‌کنند. (شاهنامه، ج ۱، زال و رودابه: ۱۴۳).

در داستان سهراب و گردآفرید، گردان و جنگ‌آوران، دلیران و کارآزموده سران جزو سرمایه‌های جنگی هستند. (شاهنامه، ج ۲، سهراب و گردآفرید: ۱۲۱). همین امر، سبب مفاخره مردان جنگی شده است:

به نیزه گه از جای برداشتی به پولاد بر تیر بگذاشتی وامق و عذرا: ۲۴۲

<sup>۱</sup> . همچنین در داستان سیاوش نیز در هنر نمودن سیاوش سیاوش پیش گرسوز از مهارت در نیزه و کمان و کشتی به عنوان یک فن و هنر یاد می‌کند. (ج ۳: ۴-۸۳) و در داستان بیژن و منیژه: شاهنامه، ج ۵، بیژن و منیژه: ۴۹.

<sup>۲</sup> . ر.ک- «گرشاسب‌نامه: ۲۵، ویس و رامین: ۱۰۸، هفت پیکر: ۱۲۸.

عنان یکرکابی<sup>۳</sup> زیر می‌زد

دو دستی بر فلک شمشیر می‌زد خسرو و

شیرین: ۴۳۷

البته هنر فقط به توان‌های رزمی اطلاق نمی‌شده اما در آن دوران به این مفهوم، مصطلح بوده‌است. (ر.ک ← سیاوش و سودابه: ۱۴ و ۶۷، ورقه و گلشاه: ۷). سپاهیان در عرصه مبارزه، قدرت‌نمایی، ساخت و ساز، مشورت و ... حضور چشمگیری داشتند. مردان، نیروی رزمی غالب بودند اما نقش زنان نیز نادیده گرفته نشده. (ر.ک ← جدول شماره ۱).

ب) توجه به پشتوانه مالی سپاه: به نیازهای مالی سپاهیان توجه می‌شد:

اگر گنجی نبخشی بر سپاهت سپه بی‌گنج کی دارد نگاهت!

خسرونامه: ۱۳۴

ج) اتحاد اقوام مختلف در گردآوری نیروی انسانی: استفاده از سربازان اقوام مختلف، سبب اتحاد و یکپارچگی کشور و ایجاد صمیمیت و عدم بروز اختلافات داخلی می‌شود. خواجه نظام‌الملک در فصل بیست و چهارم سیاست‌نامه گوید: «چون لشکر همه از یک جنس باشند از آن خطر خیزد و سخت‌کوش نباشند و تخلیط (فساد و دویه هم‌زنی) کنند، باید که از هر جنس لشکر بود.» (سیاست‌نامه: ۱۲۴). به عقیده باسورث: «قشون محمود غزنوی همیشه مرگب از نژادها و قبایل مختلف بوده‌است و هر یک از این قبایل، جدا جدا زیر اثر و نظر افسران خود می‌گذرانند. از همین روش بود که روحیه رقابت در میدان پیکار تولید می‌گردید.» (باسورث، ۱۳۴۱: ۶-۴۵).

گزین کرد از آن نامداران سوار دلیران جنگی ده و دو هزار

هم از پهلوی و پارس و کوچ و بلوچ ز گیلان جنگی و دشت سروچ

سپرور پیاده ده و دو هزار گزین کرد شاه از در کارزار

از ایران هر آنکس که گوزاده بود دلیر و خردمند و آزاده بود شاهنامه، ج ۳، سیاوش و سودابه: ۳۵

حتی یاری طلبیدن از شهرها و کشورهای همسایه برای ایجاد سپاه منسجم نیز مرسوم بود:

۳. یک رکابی: کنایه از اسب جنیبت. (آندراج). مانند یکسوار و یکسواره به معنی پافشاری در جنگ. (گنجینه گنجوی به نقل از لغت‌نامه دهخدا).

۴. همچنین ر. ک ← خسرو و شیرین: ۶-۳۵، بانو گشسب‌نامه: ۶۸ و ۹۹، خسرونامه: ۳۸۱، هفت پیکر: ۶۷ و ۱۲۵، ویس و رامین: ۷۲ و ۱۵۰ و ...

ز زاول هم از کابل و هندوان

سپاهی برفتند با پهلوان

ز هر سو که بد نامور لشکری

بخواند و بیامد به شهر هری همان:

۳۶

۲-۱-۲-۲- رزمایش: رزمایش در حقیقت، قدرت‌نمایی و مباحثات به قوای نظامی کشور است:

بفرمود تا سنج و هندی درای  
ابا نیزه و گرز و تیر و کمان  
کمانها گرفتند و تیر خدنگ  
بتابید هر یک به چیزی عنان  
درختی گشن بُد به میدان شاه  
کمان را بمالید دستان سام  
بزد بر میان درخت سهی  
هم اندر تگ اسپ یک چوبه  
تیر  
سپر برگرفتند ژوپین و ران  
کمان را بینداخت و ژوپین  
گرفت

به میدان گذارند با کرّ نای  
برفتند گردان همه شادمان  
نشانه نهادند چون روز جنگ  
به گرز و به تیغ و به تیر و سنان

گذشته بر او سال بسیار و ماه  
برانگیخت اسپ و برآورد نام  
گذاره شد آن تیر شاهنشهی  
بینداخت و بگذاشت بر نرد، شیر  
بگشتند با خشتهای گران...  
به ژوپین شکار نوآیین گرفت  
گشاده، به دیگر سوی افگند، خوار  
۱۴۶

شاهنامه، ج ۱، زال و رودابه:

بزد خشت بر سه سپر گیل وار

احتمالاً استقبال از بزرگان یا بدرقه ایشان با سپاه نیز علاوه بر احترام، نوعی نشان دادن قدرت نظامی به حساب می‌آمده که با سپاهی مجهز با کوس، تبیره و کرّ نای و ... انجام می‌شده است.<sup>۵</sup> « ز شادی پذیره شدش، با سپاه» (شاهنامه، ج ۶، کتابیون و گشتاسپ: ۳۷). همچنین: « چو آمد به کاوس شاه آگهی / که آمد سیاوخش با فرهی، بفرمود تا با سپه گیو و طوس / برفتند با شادی و پیل و کوس» (شاهنامه، سیاوش و سودابه، ج ۳: ۱۵). در منظومه

<sup>۵</sup>. به نظر می‌رسد استفاده از ابزار آلات گوناگون موسیقی و همراه داشتن سلاح و درفش، ابراز شادی و نوعی مهمان‌نوازی و احترام به مهمان را در بر دارد: (شاهنامه، ج ۱، زال و رودابه: ۱۰۴).

یوسف و زلیخا، این قدرت‌نمایی در مراسم استقبال از برادران یوسف (ع) به چشم می‌خورد. (یوسف و زلیخا: ۲۳۳).<sup>۶</sup>

۲-۱-۲-۳- اهمیت تجهیزات جنگی: نیروی انسانی بدون تجهیزات جنگی کارایی چندانی ندارد. عبوقی می‌گوید:

هزبر ار چه چیره بوذ روز جنگ      چگونه کند جنگ بی یشک و چنگ

چو بی ساز بوذند بگریختند      تهی دست ابا خصم ناویختند

ورقه و

گلشاه: ۱۰

ارزش تجهیزات جنگی برابر با زر و گوهرهای قیمتی بود که شامل اسب سیاه، خفتان و کلاه رومی و تیغ الماس‌گون می‌شد. (شاهنامه، ج ۶، کتابون و گشتاسپ: ۲۲). در سیاست‌نامه ارزش سلاح و آلت جنگ حتی از آن هم بالاتر است که در فصل سی و سوم آمده: «معروفان را که جامگی گران دارند نباید گفت تا تجمل سلاح و آلت جنگ نیکو سازند و غلام خرنند که جمال و نیکویی و شکوه ایشان اندر آن باشد نه اندر تجمل آلت و زینت خانه...» (سیاست‌نامه: ۱۵۳). سلاح به عنوان خلعت هم داده می‌شد برای نمونه در داستان زال و رودابه، اسبان تازی زرین‌ستام و شمشیر هندی زرین نیام و در داستان کتابون و گشتاسپ اسبان تازی، برگستوان و خفتان هدیه داده شده است. در ورقه و گلشاه سلاح شامل موارد زیر است:

همی خواست از وی تمامی سلیج      ستور و سلب با حسام و رمیح      ورقه و گلشاه: ۸۸

## ۲-۲-۲- علوم و فنون حین جنگ

۲-۲-۱- آرایش سپاه: منظور از آرایش سپاه، صف کشیدن و قرار گرفتن سپاهیان در میدان‌های جنگ است که بیشتر به صورت قلب، میمنه، میسره، طلایه و ... بوده.. (۳).

دو لشکر روبرو خنجر کشیدند      جناح و قلب را صف برکشیدند      خسرو  
وشیرین: ۱۳۴

میمنه رفت و میسره بگریخت      قلب در ساقه مقدمه ریخت

شاه در ظفر قوی شد دست      قلب و دارای قلب را بشکست      هفت

پیکر: ۱۲۶

<sup>۶</sup> در مراسم بدرقه نیز، رایج بوده است. (شاهنامه، ج ۱، زال و رودابه: ۱۰۷).

در خسرونامه هم علاوه بر اینکه از قلب سپاه و یزک‌دار و طلایه سخن به میان آمده در توصیف سپاهی که دو رویه صف کشیده بودند؛ گروه‌های مختلف جنگجو را چنین طبقه‌بندی می‌کند که گروهی مانند شیرگران شمشیر برآن در کف داشتند. گروه دیگر زره‌پوشانی بودند که سنان در دست داشتند. در صف‌های دیگر، نیزه‌داران، ناوک‌اندازان، خشت و ناچ‌داران، تیر و کمان‌داران، گرزداران در برابر دشمن ایستاده بودند. (خسرونامه: ۱۳۴). به طور کلی بیشتر جنگها، جنگ مَاصَف (۴) بوده و کامل‌ترین چینش سپاه، در داستان بیژن و منیژه در بخش آمدن افراسیاب به جنگ رستم توصیف شده است. رستم، سپاه را از کوه به دشت می‌آورد و رزمگاهی با انبوهی از سپاهیان می‌آراید که در میمنه اشکش و گسته‌م به همراه سواران بسیار، رهام و زنگ در میسر و خود و بیژن در قلبگاه، نگهبان گردان و پشت سپاه بودند. به طوری که کوه در پشت لشکر قرار داشت و حصاری از آهن (مردان زره-پوش) به آیین خاصی در جلوی لشکر صف کشیده بودند. (با تلخیص شاهنامه، ج ۵، بیژن و منیژه: ۴۹).

۲-۲-۲- استفاده از ابزارآلات جنگی: در منظومه‌های مورد مطالعه از انواع مختلف سلاح‌های سبک و سنگین نام برده شده اما بسامد تیغ، شمشیر، نیزه، کمان و کوس از همه بیشتر است. از بعضی وسایل مانند وسایل زیر فقط در برخی منظومه‌ها از آن نام برده شده: تبر، عمود، دبوس، ناچخ، درقه. از برخی دیگر فقط در یک منظومه یاد شده؛ مثل: گبر و پَرندآور، حسام و طعنه، تیردان، لخت و یَغلق، غَضبان و عَرآده در لیلی و مجنون و ... در مورد انواع سلاح‌ها باید گفت در این منظومه‌ها به برخی از انواع خاص و معروف ابزار جنگی در زمان مورد نظر نیز اشاره شده است؛ از جمله: تیغ هندی، کمان کیانی، پیکان پولاد، تیر خدنگ، گرزۀ گاوسر، ترگ رومی، سپر گیلی، خدنگ چارپر، خنجر پارسی، خشت سه پر، درع داوودی، جوشن پلنگینه، کمان چاچی، چینی کمان، خنجر زهر آب داده، کمند تاب داده. (ر. ک ← جدول شماره ۲).

از موارد قابل توجه دیگر در زمینه وسایل جنگی در منظومه‌های عاشقانه مورد بررسی، نسبت دادن ابداع تیر و کمان به دختر گورنگ شاه در گرشاسب‌نامه است. اگر چه در ادامه می‌گوید:

هم از نامه پیش‌دانان سخن شنیدم که جم ساخت هر دو ز بُن

نبد پَر بر تیر آنگه ز پیش منوچهر شه ساخت هنگام خویش

گرشاسب‌نامه: ۲۳

برای آشنایی با هر یک از ابزار جنگی نام برده شده به جدول شماره (۳) مراجعه شود.

۲-۲-۳- **شیخون:** در لغتنامه دهخدا ذیل واژه آمده: تاختن به شب هنگام بر دشمن. حمله کردن بر دشمن در شب. همچنین: تاخت بردن باشد بر سر دشمن چنانکه غافل و بی خبر باشد. (برهان). در مورد اخیر می توان به شیخون رستم به افراسیاب اشاره کرد. (شاهنامه، ج ۵، بیژن و منیژه: ۴۶). همچنین:

در آن تاریک شب خسرو برون شد شیخون کرد و دشمن سرنگون شد  
خسرونامه: ۲۷۵

۲-۲-۴- **کمین:** پنهان شدن به قصد دشمن و ناگاه به در آمدن. (لغتنامه دهخدا).

مبادا کمین آوران از کمین بگیرندشان از پی خود به کین  
به توران زمینی شان برند از نهران به ما ننگ ماند ز خرم جهان بانوگشسب  
نامه: ۶۴

۲-۲-۵- **کندن خندق:** از روش های مقابله با سپاه دشمن، کندن خندق بوده:

یکی کنده پی کنده بوزند ژرف بدو اندر آبی بکردار برف  
سپه سربسر کنده بگذاشتند به مردی همه گردن افراشتند ورقه و گلشاه: ۵۹

۲-۲-۶- **مین گذاری:** از بدیع ترین روش ها برای مبارزه با سپاهیان دشمن و جلوگیری از پیشروی آنان، قراردادن تله های خاص شبیه مین گذاری امروزی بوده است. (ر. ک - هفت پیکر: ۲۱۹).

۲-۲-۷- **به کار بردن خدعه و فریب:** یکی از ترفندهای مهم نظامی، گمراهی دشمن است که در جنگ نقش حیاتی دارد. استفاده از حيله های گوناگون برای فریب حریف یا ناشناس ماندن در شکل های متفاوتی دیده می شود از جمله: الف - پوشیدن لباس مبدل:

چهل جنگی همه گرد دلاور کشیده چون زنان در روی چادر  
بدین چاره ز دروازه برفتند وز آتشگه ره گندز گرفتند ویس و  
رامین: ۳۵۸

در بانو گشسب نامه نیز رستم، رخس را سیاه می کند و بالای ببر بیان، زره کرده:

تقابی برافکند بر روی خویش  
که او را نه بیگانه داند نه خویش  
بانوگشسب‌نامه: ۶۵

همچنین در داستان بیژن و منیژه، رستم لباس بازرگانان را می‌پوشد. (شاهنامه، ج ۵، بیژن و منیژه: ۳۶). ب- یکی دیگر از روش‌ها، استفاده از وسایل برای ایجاد رعب و وحشت در دشمن بود. برای مثال عطار می‌گوید غراره‌هایی بر دیوار دز گذاشته بودند تا دیده‌بان به نظر آیند؛ احتمالاً مثل مترسک‌های مزرعه:

غراره بود بر دیوار بالا  
نشسته دیدبان بر چرخ والا  
(خسرونامه: ۲۱۸)

ج- استفاده از سخنان فریبنده که نمونه آن در داستان سهراب و گردآفرید (شاهنامه، ج ۲: ۱۲۲) و گشتاسپ و کتایون (شاهنامه، ج ۶: ۳۵) دیده می‌شود.

۲-۲-۸- شناسایی و فرستادن جاسوس: به منظور شناخت مواضع و نیروهای دشمن و آگاهی از موقعیت قرارگیری سپاه: «بسیچید و بنشست خنجر به چنگ / طلایه<sup>۷</sup> فرستاد بر سوی گنگ» (شاهنامه، سیاوش و سودابه، ج ۳: ۹۷).

اینجا به طلایه رخس رانده و آنجا به یزک<sup>۸</sup> دعا نشانده لیلی و مجنون: ۱۳۱

۲-۲-۹- نگهبانی: به دزها بر نگهبانان هشیار/ بسی بهتر ز قفل و بند بسیار ویس و رامین: ۱۹۵

در آجۀ قلعه‌های وسواس دارنده پاس دیر بی‌پاس لیلی و مجنون: ۸۳

۲-۲-۱۰- مرزبانی: به هر راهی برون کن دیدبانی به هر مرزی همیدون مرزبانی

به گرد آور سپاه از بوم ایران از آذربایگان و ری و گیلان

همی‌کن ساز لشکر تا من آیم که من زود خود زود بندت بگشایم  
ویس و رامین: ۱۴۸

<sup>۷</sup>. طلایه. [طَی / ی / ا] [از ع، ا] جاسوس لشکر که پیش و پس را نگه دارد. گروهی که پیش فرستند تا از دشمن واقف شود. (منتخب اللغات).

<sup>۸</sup>. یزک. [ی / ز / ا] جمع قلیل و مردم کمی را گویند که در مقدمه و پیش پیش لشکر به راه روند تا از سپاه خصم باخبر باشند و به ترکی قراول خوانند. (برهان).

۲-۲-۱۱- موسیقی جنگ: فلّاح نژاد می‌نویسد: «سازهای کوبه‌ای از دیرباز در جنگ‌های مختلف استفاده می‌شدند و تأثیر آن‌ها در هماهنگی افراد به اثبات رسیده‌است و همچنان هم در تمرینات نظامی و آموزش‌های سربازان استفاده می‌گردد.» (فلّاح نژاد، ۱۳۹۴: ۷۴). در منظومه‌های مورد نظر استفاده از ابزارآلات موسیقی به دو منظور انجام می‌شده: الف) برای ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن و تحریک و تهییج لشکریان به مبارزه. ب) آغاز جنگ. ج) برای اعلام پیروزی و شادی که تیره، گاودم، رویینه‌خم، بوق و کوس کاربرد داشته- است. (شاهنامه، ج ۵، بیژن و منیژه: ۵۱). مهم‌ترین ابزار موسیقی جنگ، کوس بوده که تقریباً در بیشتر منظومه‌ها از آن یاد شده‌است.

۲-۲-۱۲- رجز خوانی: «رجز خوانی، نوعی ترفند و جنگ نرم روانی محسوب می‌شود که از لحاظ روحی در تقویت نیروی خودی و تضعیف دشمن تأثیرگذار است.» (امیری خراسانی و اکرمی‌نیا، ۱۳۹۶: ۳۹) که در منظومه‌ها به صورت انواع مختلف به چشم می‌خورد؛ از جمله رجز اوکیه برای مبارزطلبی همراه گشتن دور میدان و فریاد زدن، رجز حین مبارزه و رجز بعد از پیروزی، رجز خوانی حریف، حتی رجز برای دعوت از هم‌زمان سپاه خود برای مبارزه علیه دشمن.

۲-۳-۲- علوم و فنون پس از جنگ: از نکات قابل توجه در جنگ و پایداری، تدابیر بعد از جنگ است که به اشکال زیر نمود پیدا کرده: ۲-۳-۱- استفاده از سپاهیان در جهت گسترش آبادانی در شاهنامه، سیاوش با سپاه و گنج و بنه فراوان برای ساخت شهر عازم می‌شود. (شاهنامه، ج ۳، سیاوش و سودابه: ۷۸-۹).

۲-۳-۲- حفظ قدرت و هوشیاری بعد از پیروزی:

به دادار دارنده سوگند خورد که هرگز تنم بی‌سلیح نبرد

نباشد نه رخ را بشویم ز خاک سزد گر نباشم بر این سوگ پاک

کله ترگ و شمشیر جام من است به بازو خم خام دامن است همان: ۱۱۵

۲-۳-۳- تقدیر از سپاهیان بعد از پیروزی: البته این هدایا، غیر از تقسیم غنایم جنگی بوده- است. (شاهنامه، ج ۵، بیژن و منیژه: ۵۱).

۲-۴- نیایش: در هر شرایطی بعد معنوی انسان، جایگاه ویژه‌ای در زندگی او دارد. در منظومه‌های عاشقانه فارسی نقش پررنگ این مهم را در امر نظامی و میدان‌های جنگ به وضوح می‌توان دید. ایمان و اعتقاد قلبی دلاوران، در صحنه‌های نبرد به اشکال زیر نمود

می‌یابد: الف- شکر: «همی آفرین خواند بر کردگار.../ توی برتر دادگر یک خدای .../ همه کام و پیروزی، از کام توست» (شاهنامه، ج ۶، کتابون و گشتاسپ: ۲۳).

به گیتی تو دادی مرا دستگاه  
سرم بگذراندی به خورشید و ماه  
به جز تو که بردارد افکنده را  
رساند به آزادگی بنده را  
به نیروی تو دست افراختم  
بسا سر که از تن برانداختم  
بانوگشسب‌نامه: ۱۲۳

ب- درخواست یاری: « به فرمان یزدان و پیروزبخت/ نگون اندر آویزش از درخت » (شاهنامه، ج ۶، کتابون و گشتاسپ: ۲۹).

ج- دعای خیر: در داستان سیاوش، کاوس شاه به گرد سپاه برمی‌گردد و خطاب به آن نامداران فرخنده‌پی می‌گوید:

مبادا جز از بخت همراحتان  
شده تیره دیدار بدخواستان  
به نیک اختر و تندرستی شدن  
به پیروزی و شاد باز آمدن  
شاهنامه، ج ۳، سیاوش و سودابه: ۳۵

د- توکل به خدا: شما را چه اندیشه از دشمن است/ خداتان نگهدار جان از تن است بانو  
گشسب‌نامه: ۸۵

## ۲-۵- راهبردهای نظامی

در معنی راهبرد آمده‌است: «۱. فن یا عمل تجهیز و به کارگیری نیروها و توانایی‌ها در جهت دستیابی به یک هدف. ۲. مجموعه برنامه‌ها، نقشه‌ها و اقدام‌های سازمان‌یافته برای کار» (صدری افشار و حکمی، ۱۳۹۳). در فرهنگ بزرگ سخن، به معنی استراتژی نیز آمده و در ذیل واژه استراتژی (نظامی) این موارد ذکر شده: «۱. فنون و روش‌های اداره عملیات جنگی. ۲. بخشی از علوم نظامی شامل فنون و روش‌ها یا اداره عملیات جنگی» (انوری، ۱۳۸۱). «هنر و علم توسعه دادن و به کار بردن یا تهدید به وسیله نیروهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و نظامی یک ملت برای رسیدن به هدف‌های ملی در زمان صلح یا جنگ» (جمالی و رستمی، ۱۳۸۱: ۲۴) است. با توجه به واکاوی این منظومه‌ها اگر چه به راهبردهای نظامی به طور مستقیم اشاره نشده‌است اما به نظر نگارندگان، آموزش‌های غیرمستقیم در این متون را می‌توان به صورت مؤلفه‌های راهبردی، برای تعمیم

مسائل امروزی در سه بخش ذیل تقسیم‌بندی نمود: ۲-۵-۱- راهبردهای پیش از جنگ: صلح‌طلبی با بستر سازی فرهنگی و آموزشی، امنیت‌آفرینی با تقویت تجهیزات جنگی، فرهیخته‌پروری با مهارت‌آموزی نیروی انسانی و محوریت تخصص و تعهد. ۲-۵-۲- راهبردهای حین جنگ: دفاع از خود و وطن‌دوستی با بهره‌گیری از روحیه مبارزطلبی و استفاده از موارد انگیزشی مثل رجزخوانی و موسیقی و ... وحدت‌مداری با استفاده از تنوع نژادی سربازان، برنامه‌ریزی لازم و انتخاب فنون مناسب با توجه به موقعیت‌های جغرافیایی متفاوت و توانایی‌های خاص دشمن، ایجاد جنگ روانی، به کارگیری ترفندها و حیل‌های نظامی و استفاده از نیروی دشمن علیه دشمن. ۲-۵-۳- راهبردهای پس از جنگ: آرمان‌گرایی با حفظ هوشیاری و قدرت، کوشش در حفظ روحیه حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و تقدیر از دلاوری رزمندگان با روش‌های گوناگون، بازسازی و ایجاد نشاط در کشور.

## ۲. نتیجه

از بررسی علوم و فنون نظامی در منظومه‌های عاشقانه، نتایج ذیل حاصل شد:

۱. اگر چه حفظ ناموس و صیانت از وطن و پایداری در مقابل متجاوزان از واجبات است اما در همه منظومه‌ها بیشتر تأکید بر صلح است و برای انجام آن از روش‌های مختلفی چون خوش‌رفتاری، هدیه دادن، گذشتن از خود و خانواده، حتی تهدید استفاده می‌شده با این حال برقراری صلح و آشتی با همه، نه تنها مورد تأیید نیست بلکه برای مذاکره باید شرایطی تعیین کرد و امتیازاتی گرفت.
۲. شاعران در این منظومه‌ها، فنون و روش‌های نظامی را با دقت به کار برده‌اند که می‌توان آنها را به سه گروه کلی زیر تقسیم نمود: الف- تکنیک‌های قبل از جنگ: آمادگی دفاعی با تربیت نیروی انسانی، رزمایش، تجهیز قوای نظامی. ب- فنون حین جنگ: آرایش سپاه، استفاده از ابزارآلات جنگی مناسب در شرایط متفاوت، شبیخون، کمین، کندن خندق، مین‌گذاری، فریب دشمن، شناسایی مواضع دشمن، کاربرد موسیقی در جنگ. ج- موارد بعد از جنگ: تلاش در جهت آبادانی، تقدیر از سپاهیان و حفظ قدرت و هوشیاری اشاره شده است.
۳. آگاهی از علم پیاده‌نظام و سواره‌نظام، آرایش لشکر، استفاده از ترفندها و فنون نظامی و حتی اطلاع از انواع عملیات روانی در تضعیف و شکست دشمن، در

- پایداری نقش بسزایی دارد. همیشه اخلاقیات مورد توجه بوده و توان و دانش نظامی ایرانیان کاملاً مشهود است.
۴. شبیخون و کمین، پرکاربردترین فنون جنگی و جنگ مصاف، رایج‌ترین نوع جنگ بوده است.
۵. به نظر می‌رسد خاستگاه داستان‌ها در بیان مسائل نظامی تأثیر داشته است برای مثال در ورقه و گلشاه از کلمات عربی مانند حُسام و رمیح استفاده شده و در همین منظومه به اسب توجه زیادی شده: باره رزمجوی، باره باذپای، خنگ تکاور و از انواع آن ابرش، خنگ، بور نیز نام برده شده؛ احتمال می‌رود دلیل آن، شهرت اسب عربی بوده باشد. شیوه مبارزه نیز تحت تأثیر خاستگاه داستان است مثلاً در ورقه و گلشاه، ترتیب استفاده از وسایل رزمی نیزه و شمشیر و گرز ذکر شده اما در شاهنامه نیزه و کمان و کشتی. در این راستا نظامی، شیوه خاص خود را دارد مثلاً در لیلی و مجنون به سبب خاستگاه عربی داستان، از کلمات عربی عرّاده و غضبان استفاده می‌کند اگرچه استفاده از سلاح سنگین با شیوه زندگی اعراب که یک‌جانشین نبودند، مغایرت دارد. او، هنر خود را در هفت‌پیکر، با آوردن واژه‌هایی مثل یغلق (ترکی) و لخت به نمایش گذاشته که ممکن است استفاده از این تنوع واژه‌ها، به تنوع نژادی سپاهیان آن زمان و استفاده از واژه‌های اقوام مختلف ارتباط داشته باشد.
۶. فردوسی و نظامی از فنون بیشتر و متنوع‌تری نام برده‌اند، آگاهی شاعران از فنون نظامی می‌تواند به سبب قرارگرفتن در برهه خاص زمانی یا اقامت در محدوده جغرافیایی جنگ‌خیز باشد. ضمن آنکه نوع ادبی حماسه در شعر فردوسی نقش بسزایی ایفا می‌کند.
۷. در کل، زمینه حماسی داستان و خاستگاه جغرافیایی آن، اطلاعات و محل زندگی شاعر، برهه زمانی رخدادها و سرایش منظومه‌ها و منشأ تاریخی آنها در استفاده از فنون رزمی، نقش بسزایی داشته است که می‌تواند در بهره‌وری از آنها راهگشا باشد.
۸. معنویات در بیشتر منظومه‌ها در قالب شکرگزاری، درخواست یاری، خیرخواهی و توکل به خدا دیده می‌شود.
۹. آموزش غیر مستقیم راهبردهای نظامی در این منظومه‌ها را می‌توان در سه بخش طبقه‌بندی نمود: راهبردهای پیش از جنگ شامل: صلح‌طلبی، امنیت‌آفرینی، فرهیخته‌پروری، راهبردهای حین جنگ شامل: تقویت روحیه مبارز طلبی،

وحدت‌مداری، برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از فنون دفاعی متناسب و راهبردهای پس از جنگ شامل: آرمان‌گرایی، تقدیر از دلاوری‌ها و بازسازی و ایجاد نشاط در کشور.

#### پی‌نوشت

(۱). بعد از شنیدن خبر حمله ناجوانمردانه سپاه معاویه به شهر انبار و قتل حسان بن حسان فرماندار شهر انبار است که امیرالمؤمنین (ع) با حالتی افسرده و خشمگین می‌فرماید: «جهاد دری از درهای فردوس است که خدا آن را برای دوستان ویژه خویش گشوده است و آن، لباس تقوی و زره محکم خدا و سپر مطمئن او است. پس هر که آن را- از سر فروگذاری- ترک کند، خدا جامه ذلت بر او بپوشاند و گرفتار بلا شود و بر سر او (و ناموس او) خواری و زبونی فرو بارد و نور خرد از دل او رخت کشد (و به یاوه‌گویی افتد) و با فرو گذاشتن جهاد، حق از او رویگردان شود و خواری به او روی آورد و (چون ترک جهاد کند و ظالمان و متجاوزان آیند و مسلط گردند، هر چه فریاد زند و داد خواهد) کسی داد او ندهد.» (نهج‌البلاغه: خطبه ۲۷).

(۲). از آشتی با دشمن وقتی او تو را بدان می خواند و خشنودی خداوند در آن است، رو مگردان که آشتی مایه آسایش سپاهیان تو و آرام بخش اندوه تو و موجب امنیت شهرهای توست اما بهوش باش و از دشمنی که با تو از در آشتی در آمده حذر کن، چه بسا که دشمن نزدیکی به تو را مایه فریب سازد و تو را غافلگیر کند. پس احتیاط و دوراندیشی را از دست مده و به دشمن گمان نیکو مبر. (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

(۳). ارکان خمسه جیش (لشکر) در صف آرایی قدیم عبارتند از: الف) مقدمه (طلایه = طلایه = پیشقراول = هراول = جلودار): گروهی از سپاه که پیشاپیش حرکت کنند. ب) میمنه: جبهه راست لشکر. ج) میسره: جناح چپ سپاه. د) قلب: میانه لشکر. ه) ساقه: بازپسینان لشکر. دنباله لشکر، مایه دار. آنچه بر پشت بود از لشکر. مقابل مقدمه قسمتی از سپاه که مؤخر از همه آید. (لغت نامه دهخدا). بری اطلاع بیشتر به کتاب راحة الصدور مراجعه شود. (راوندی، ۱۳۶۴: ۲۰-۲۱۸).

(۴). جنگ مصاف: جنگی بوده است که سپاهیان دو طرف به تعبیه یعنی آرایش نظامی و رده بندی و صف کشی با آداب و آیین خاص به جنگ می پرداخته اند یعنی دسته های سپاهیان در قلب و میمنه و میسره و جناحها مستقر می گشته اند و سپس بر هم حمله می برده اند برخلاف جنگهای چریکی که دسته ای از سپاهیان از جای درمی آمده و بر خصم می تاخته و فاتح یا منهنز از آنان بازمی گشته است. (لغت نامه دهخدا).

#### جدول شماره (۱)

زنان مبارز	قرن	مهارت رزمی	جنگ	حجاب رزم
سیندخت	۴	سفیر، مذاکره	-	-
گردآفرید	۴	کمندافکن، نیزه و کمان	*	درع می پوشد گیسو زیر زره پنهان کرده و بر ترگ رومی گره می زند.
دختر گورنگ شاه	۵	سپردار، شمشیرزن، تیر و کمان	-	-
بانوگشسب	۵	گرز، کمند، شمشیر، نیزه، تیر و کمان	*	چو مردان جوشن می پوشید و سر و موی را

در خود نهان می‌کرد.		خنجر، عمود		
وقتی خود از سرش می‌افتد، آستین زره را بر سر می‌افگند.	*	نیزه، شمشیر	۵	گلشاه
روی پوشیده	*	شمشیر، رُمح، نیزه، تیر، کمند، تیغ	۶	رابعه

## جدول شماره (۲)

منظومه	ابزار و ملزومات جنگی
زال و رودابه شاهنامه، ج ۱	گرز، تیغ هندی، گویال، کمند، کمان کیانی، پیکان پولاد، تیر خدنگ، مغفر، دبوس، سندان، گرزّه گاوسر، سپر، نیزه، سنان، ژوپین، خشت، شمشیر، خود، ترگ
سهراب و گردآفرید شاهنامه، ج ۲	نیزه، سنان، کمند، تیر، سپر، کمان، درع (زره گردآفرید)، زره، ترگ رومی، خود، خفتان (زره سهراب)، شمشیر
سیاوش و سودابه شاهنامه، ج ۳	سپر گیلی، نیزه، کمان، تیغ، خنجر، گویال، شمشیر، خود، پیل، کوس، تیر خدنگ، ترگ، پیکان خدنگ چارپر نحوه استفاده: ۱. نیزه ۲. کمان ۳. کشتی
بیژن و منیژه شاهنامه، ج ۵	خنجر، گرزّه گاوسار، تیغ، اسپ با زین خدنگ، ژوپین، نیزه، خفتان، شمشیر، کمان، پیل
کایون و گشتاسپ شاهنامه، ج ۶	خفتان، کمان، کمند، اسپ بلند و سیاه، تیغ، خنجر، سنان، گبر، برگستوان، پرنده‌آور، پیل
بهرام و سپینود، شاهنامه، ج ۷	زره، خنجر پارسی
جمشید و دختر گورنگ‌شاه گرشاسب‌نامه	درع، سپر، چینی کمان، تیر، شمشیر.
بانو گشسب‌نامه	کمند، نیزه، کمان، گرز، خود، خفتان، خنجر، زره، سنان، تیر خدنگ، تیر، عمود و سپر، جوشن، ببریان، تیغ هندی، اسپ تازی، برگستوان، ترک

کمان، زره، کوس، تیغ، سنان، ژوپین، شمشیر، خود، جوشن، خفتان، تیردان، خدنگ چارپر، خنجر، نیزه، خشت سه پر، گرز، تیر.	
تیغ، شمشیر، نیزه، حسام، رمیح، گرز، آهن قبا(زره)، طعنه، اسب(بارۀ رزمجوی، باذپای، خنگ تکاور)(ابرش و خنگ و بور)، درقه، دشنه، خدنگ، کمان، عمود، سنان، کمند نحوه استفاده: ۱. شمشیر ۲. نیزه ۳. گرز	ورقه و گلشاه
نیزه، تیر، عرّاده، منجنیق، غضبان، درّاجه، کمان، شمشیر، خدنگ، زوبین، پیکان	لیلی و مجنون
تیر، تیغ هندی، نیزه، سنان، یغلق(تیر)، سپر، درع داوودی، ناچخ، لخت(شمشیر)، پیکان، دبوس، دشنه، خدنگ.	هفت پیکر
تیر، شمشیر، کوس، سنان، نیزه، درع، خدنگ، زره، کمان، کوس، برگستوان، تیغ، جوشن، خود	خسرو و شیرین
تیغ، جوشن، تیر، رمح، زوپین، شمشیر، سندان، سمند، کمند، سندان	رابعه و بکتاش(الهی نامه)
جوشن پلنگینه، تیر، سپر، شمشیر، سنان، نیزه، ناوک، خشت، ناچخ، کمان چاچی، تیر خدنگی، گرز، خود، تیغ، خنجر زهرآب داده، کمند تاب داده، رمح	خسرو نامه

### جدول شماره (۳)

منظومه	توضیح	وسیله
کتایون و گشتاسپ، بانوگشتاسپ نامه، خسرو و شیرین	مأخوذ از کُست در پهلوی به معنی پهلوی و سو و کنار و در فارسی نیز کشت یا کست بهمین معنی است. کستی یا کشتی در پازند و فارسی به معنی کمر و مطلق رشته و بندی که به میان بندند. «ان» در آخر کلمه پسوند اتصاف است و در گرشاسب نامه بجای برگستوان، کستوان آمده است. (از	برگستوان

	<p>حاشیه معین بر برهان قاطع). پوششی باشد که در روز جنگ پوشند و اسب را نیز پوشانند. (برهان). پوششی بود که در روز جنگ می پوشیده‌اند و بر اسب نیز برای حفظ می افکنده‌اند و آن جامه ای بوده که بجای پنبه در آن پيله و ابریشم فرومایه که کج و کژ گویند می گذاشته‌اند و می- دوخته‌اند و آن را کجم و کجین نیز می خوانده‌اند و کژ و غز هر دو به معنی ابریشم است و بر این معنی آن را غزاغند و کژاغند خوانند. (آندراج). غالباً پوشش اسب و پیل در جنگ برگستوان و پوشش مرد جنگی زره و جوشن و کژاگند بوده است اما بر پوشش مرد جنگی نیز اطلاق کرده- اند. تجفاف. (منتهی الارب).</p>	
کتایون و گشتاسپ،	تیغ و شمشیر جوهردار. (برهان). شمشیر. (لغت نامه دهخدا). تیغ جوهردار: تیز و برآن. آبدار. (همان).	پَرَنَدَاوَر
بانو گشسب- نامه، ویس و رامین،	قسمی از تبر در قدیم از آلات جنگ بوده و آن را تبرزین هم می گفتند. (فرهنگ نظام به نقل از لغت نامه دهخدا). تبرزین: نوعی از تبر باشد که سپاهیان در زمین اسب نگاه دارند. (ناظم الاطباء).	تَبَر
زال و رودابه، سهراب و گردآفرید، سیاوش و سودابه، بانو گشسب نامه،	ترک و خود و مغفر. (ناظم الاطباء)	تَرگ، تَرک
بانو گشسب نامه، ویس و رامین، خسرو و شیرین، رابعه و بکتاش،	[ج / جُو] سلاحی باشد غیر زره چه زره تمام از حلقه است و جوشن حلقه و تنگه آهن هم باشد. (برهان) (آندراج).	جوشن

خسرونامه		
ورقه و گلشاه،	(عربی) شمشیر تیز. شمشیر برنده. تیغ تیز. (لغت‌نامهٔ دهخدا).	حُسام
زال و رودابه، ویس و رامین،	نوعی از سلاح جنگ باشد و آن نیزهٔ کوچکی است که در میان آن حلقه ای از ریسمان یا ابریشم بافته بسته باشند انگشت سبابه را در آن حلقه کرده به جانب خصم اندازند. (برهان). (ناظم الاطباء)	خِشْت
ورقه و گلشاه، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر	درختی است بسیار سخت که از چوب آن نیزه و تیر و زین اسب سازند و تیر خدنگ و زین خدنگ به این اعتبار گویند. (برهان) (ناظم الاطباء). درختی است که چوب آن نهایت محکم و صاف و راست باشد چون اکثر از چوب آن تیر می‌سازند. لهذا مجازاً اسم تیر شده. همچنین: نوعی تیر کوچک. (غیاث‌اللغات).	خَدَنَگ
سهراب و گردآفرید، بیژن و منیژه، کتایون و گشتاسپ، ویس و رامین، بانو گشسب-نامه، ویس و رامین،	نوعی از جبه و جامهٔ روز جنگ باشد که آن را فزاگند گویند و ترکی قلمقایی خوانند. (برهان). درع. گبر. (صحاح الفرس). جوشن. (مهذب الاسماء). تجفاف. (منتهی الارب). جامه ای هنگفت و سطر بوده است از ابریشم یا پشم و شمشیرزننده بر آن می‌لغزیده و اثر نمی‌کرده‌است. فزاگند. پنام. جبه ای که روز جنگ پوشند. (لغت‌نامهٔ دهخدا). خفدان. (آندراج).	خَفْتان
زال و رودابه، هفت پیکر	عمود. لخت. تُپوز. تُپز. گرز آهنی. (برهان). شمشیر. (ناظم الاطباء).	دَبُوس
لیلی و مجنون،	(عربی) آلتی است از آلات حرب و آن چنان باشد که غراره از چوب و کاه و جز آن پر سازند و مردان در پس آن شوند تا به دیوار قلعه رسند و در قلعه نقب زنند. (لغت‌نامهٔ دهخدا).	دَرَّاجه

سهراب و گردآفرید، گرشاسب‌نامه، خسرو و شیرین،	(عربی) جامه‌ای است که از زره آهنین بافته می‌شود و آن را در جنگها برای محافظت از اسلحه دشمن در بر کنند. (از اقرب الموارد). زره. (غیاث). زره و آن غیر یلبه است که جوشن باشد. (یادداشت مرحوم دهخدا). از آلات و ابزار سلاح است و آن جبه‌ای است بافته از زره و جنگجویان برای محافظت خود از شمشیر و تیر آن را در بر می‌کنند. خداوند در قرآن کریم خبر داده‌است که آهن برای داود (ع) نرم گردید و او از آن زره می‌ساخت: و اَلنا له الحديد، اَنْ اعْمَل سابِغات و قد رَفِى السرد. (قرآن ۱۱ - ۱۰ / ۳۴). و علمناه صنعاً لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم (قرآن ۸۰ / ۲۱)، و بدین جهت زره‌های خالص و نیکو به داود (ع) نسبت داده می‌شود. (لغت‌نامه دهخدا).	درع
ورقه و گلشاه،	(عربی) سپر. (برهان). زره که به عربی درع خوانند. (برهان).	درقه
ورقه و گلشاه، هفت پیکر	نوعی از خنجر است که بیشتر مردم لار می‌دارند. (برهان). خنجر. (غیاث) (از منتهی الارب). کارد بزرگ چنانکه قصابان دارند، کشیده تر از خنجر، که در فارس خاصه لارستان حربیه آنهاست. (آندراج). شمشیر و کارد تیغه باریک. (ناظم الاطباء).	دشنه
ورقه و گلشاه، رابعه و بکتاش، خسرونامه	(عربی) نیزه. (منتهی الارب). چوبی است دراز با حربیه‌ای در سر آن برای دفع و طعن دشمن. ج، رِمَاح، أرمَاح. (از اقرب الموارد). رِمَاح و رِمِیح نیز جمع رُمح است.	رُمح
زال و رودابه، بیژن و منیژه، ویس و رامین، زیاد دارد، خسرو و شیرین، لیلی و	نیزه کوچکی که سر آن دوشاخه بود و در جنگ‌های قدیم آن را بروی دشمن پرتاب می‌کردند. (فرهنگ فارسی معین). حربیه مردم گیلان است و آن نیزه کوچکی بود که سر آن دو شاخ باشد و در قدیم بدان جنگ می‌کرده‌اند. (برهان). حربیه‌ای است نیزه مانند کوتاه تر از نیزه که آن را بجانب اعدا بیندازند و سنان آن زره بشکافد و مخصوص اهل	زوبین، ژوبین

مجنون، رابعه و بکتاش، خسرونامه	تبرستان خاصه دیالمه بوده ... (آندراج). مزارق. سلاحی افکندنی. (یادداشت بخط مرحوم دهخدا). نیزه کوچکی دوشاخه و بیشتر معمول مردم گیلان. (ناظم الاطباء).	
زال و رودابه، سهراب و گردآفرید، کتایون و گشتاسپ، بانوگشسب‌نامه، ویس و رامین، ورقه و گلشاه، خسرو و شیرین، هفت پیکر، خسرونامه	(عربی) سرنیزه. (آندراج). نیزه. (غیاث). همچنین: فسان که تیغ بر آن تیز کنند. (غیاث).	سِنان
ورقه و گلشاه	(عربی) یک بار نیزه زدن. (آندراج).	طعنه
لیلی و مجنون	نوعی از آلات جنگ و قلعه گیری است و آن آلتی باشد کوچکتر از منجیق که بدان سنگ بر سر خصم اندازند و آن را حصارگشای نیز گویند. (لغت‌نامه دهخدا).	عرّاده
بانوگشسب- نامه، ورقه و گلشاه	(عربی) گرز. (ناظم الاطباء). همچنین: خط پشت شمشیر. (منتهی الارب) (از اقرب الموارد).	عمود
خسرونامه	نوعی از سلاح جنگ است و آن را در روز جنگ پوشند و بعضی گویند غراده به دال است و آن به معنی خود آهنین باشد. (برهان قاطع). همچنین: پیراهنی را که در زیر زره پوشند، غلاله گویند. (انجمن آرا) (اقرب الموارد). به درآجه در همین جدول رجوع شود.	غراره

عَضْبَان	سنگی را گویند که در منجنیق گذارند و به جانب خصم اندازند. (برهان قاطع).	لیلی و مجنون
قاروره	(عربی) حقه باروت. (ناظم الاطباء) (آندراج). ظرف شیشه-ای که در آن ماده آتشگیر ریخته بعد از آتش دادن از بالای برج و غیر آن به دشمن پرتاب می‌کردند. (فرهنگ نظام). همچنین: نوعی از پیکان. (آندراج). در معنی قاروره‌انداز آمده: کسی که در جنگ مأمور انداختن قاروره است و نقاطه که خود به معنی ابزاری از مس است که بدان نفت و آتش پرتاب کنند. (از اقرب الموارد). آلت افکندن نطفه به صف دشمن. (به نقل از لغت‌نامه دهخدا).	لیلی و مجنون
گبر	خود و خفتان و آنچه بدان ماند از آهن. جوشن. زره. لباس جنگ. قَرْدَمَانی: قبای آژده بخیه آکنده به جهت جنگ. (لغت‌نامه دهخدا).	کتیایون و گشتاسپ
گوپال	عمود و گرز آهنین. (برهان).	سیاوش و سودابه
لَخت	سریاس (گرز گران‌سنگ). گرز. عمود. لت. (اوبهی). گرز آهنی. مقمعه. کوپال. همچنین: کلاه خود آهنین. (به نقل از لغت‌نامه دهخدا).	هفت پیکر
مَغْفَر	(عربی) خود آهنی که صیغه اسم آله است از غفر که به معنی پوشیدن و پنهان کردن است. (غیاث). خود و کلاه آهنین. (ناظم الاطباء). از سلاح‌هاست و آن مانند خود است جز آنکه اطراف آن فروآویخته است، چنانکه پشت گردن و دو گوش شخص را گیرد و گاهی برای محافظت بینی نیز قرار دهند و معمولاً از زره باشد. (از صبح الاعشی ج ۲ ص ۱۳۵ به نقل از لغت‌نامه دهخدا). زره خود که زیر کلاه پوشند. مغفره. ج، مغافر. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). زرهی به اندازه سر که زیر قَلَنْسُوه (عربی، کلاه دراز) پوشند و گویند کرانه‌های آویزان خود باشد و گویند حلقه‌هایی	زال و رودابه

	است که در پایین خود قرار دهند، چنانکه تمام گردن را بگیرد و آن را محافظت کند. (از اقرب الموارد).	
لیلی و مجنون	سنگ انداز. (دهار). فلاخن مانندی است بزرگ که بر سر چوبی تعبیه کنند و سنگ در آن کرده به طرف دشمن اندازند. ج، منجنیقات، مجانق، مجانیق. (منتهی الارب). نوعی از فلاخن بزرگ که بر سر چوبی قوی تعبیه کنند و سنگهای کلان در آن نهاده بر دیوار قلعه زده دیوار می شکنند و این معرب من چه نیک است و الادر خاص عربی جیم و قاف در هیچ کلمه نیامده است چون در زمانه سابق آلت مذکور به جهت قلعه گیری کمال مفید بود، لهذا تفاخراً به این اسم مسمی گشت بعد از آن معرب کردند. (آندراج). معرب منجنیک باشد و آن فلاخن مانندی است بزرگ که بر سر چوبی تعبیه کنند و سنگ و خاک و آتش در آن کرده به طرف دشمن اندازند. (برهان). دستگاهی جنگی که با آن سنگ و آتش به سوی دشمن می انداختند. منجلیق. خطار. کلکم. قرا. بلکن. پیلوارافکن. (یادداشت به خط مرحوم دهخدا).	منجنیق
هفت پیکر، خسرونامه	نیزه دوشاخ. نیزه کوچک. صاحب برهان قاطع آرد: تبرزین را گویند و آن نوعی از تبر است که سپاهیان بر پهلوی زین اسب بندند و بعضی گویند سنانی است که سر آن دو شاخ باشد و نیزه کوچک را نیز گویند. (برهان قاطع).	ناچخ
خسرونامه	نوعی از تیر باشد و آن تیری است کوچک و بعضی گویند آلتی است چوبین و میان خالی که تیر ناوک را در میان آن گذاشته می اندازند و بعضی گویند ناوی باشد از آهن که تیر کوچکی در آن نهند و بعد از آن کمان گذاشته اندازند. (برهان). تیر کوچک که در غلاف آهنین یا چوبین که مانند ناوی باریک بود گذارند و از کمان سردهند تا دورتر رود و بدین وجه آن را ناوک گویند. (فرهنگ رشیدی).. همچنین:	ناوک

	تیری که به چابکی و راستی به نشانه برخورد و تیری که از نی ساخته شده و بدان مرغان را شکار کنند و لوله میان کاواک که در آن تیرکوچک گذاشته می‌اندازند. (ناظم الاطباء).	
هفت پیکر	(ترکی) یغلغ. تیر پیکان دار. (لغت‌نامهٔ دهخدا).	یَغْلِق

### فهرست منابع: الف - کتاب‌ها

۱. شریف رضی (۱۳۷۹)، **نهج البلاغه**، از روی نسخهٔ مرحوم دکتر صبحی صالح و مقابله با نسخه‌های ابن میثم و ابن ابی‌الحدید و محمد عبده، مترجم محمد بهشتی، چاپ هفتم، تهران: تابان.
۲. اسدی توسی. ابونصر علی بن احمد. (۱۳۵۴). **گرشاسب‌نامه**. به اهتمام حبیب یغمایی. چاپ دوم. تهران: کتابخانهٔ طهوری.
۳. انوری. حسن (۱۳۸۱). **فرهنگ بزرگ سخن**. ج ۴ و ۶. تهران: سخن.
۴. جمالی، علی‌اصغر و رستمی محمود. (۱۳۸۱). **تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. ذوالفقاری. حسن. (۱۳۹۴). **یکصد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی**. چاپ دوم. تهران: نشر چرخ.
۶. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، (۱۳۶۴). **راحة الصدور و آیهٔ السرور** در تاریخ آل سلجوق به تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
۷. رزمجو. حسین. (۱۳۷۰). **انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی**. چاپ اول. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۸. صدری‌افشار، غلامحسین و حکمی، نسرین و حکمی، نسترن. (۱۳۹۳). **فرهنگنامهٔ فارسی**. چاپ سوم. تهران: فرهنگ معاصر.
۹. صفا. ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). **تاریخ ادبیات در ایران**. ج ۱. تهران: انتشارات فردوس.
۱۰. صفا. ذبیح‌الله. (۱۳۹۰). **حماسه‌سرایی در ایران**. چاپ پنجم. تهران: انتشارات فردوس.
۱۱. عطار نیشابوری. (۲۵۳۵ ش). **خسرونامه**. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری.
۱۲. \_\_\_\_\_. (۱۳۷۶). **مجموعه‌ای از آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری پندنامه**، بی‌سرنامه، **بلبل‌نامه** به تصحیح و مقدمهٔ احمد خوشنویس. تهران: سنائی.

۱۳. \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۴). **الهی نامه (رابعه و بکتاش)**. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. ویرایش سوم. چاپ هفتم. تهران: انتشارات سخن.
۱۴. **عیوقی**. (۱۳۴۳). **ورقه و گلشاه**. به اهتمام ذبیح‌الله صفا. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. **فخرالدین اسعد گرگانی**. (۱۳۹۵). **ویس و رامین**. با مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن. چاپ ششم. تهران: صدای معاصر.
۱۶. **فردوسی**. ابوالقاسم. (۱۳۸۵). **نامه باستان (بیژن و منیژه)**. ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از دکتر میر جلال‌الدین کزازی. جلد پنجم. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۷. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). **نامه باستان (زال و رودابه)**. ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از دکتر میر جلال‌الدین کزازی. جلد اول. چاپ ششم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۸. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). **نامه باستان (سیاوش و سودابه)**. ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از دکتر میر جلال‌الدین کزازی. جلد سوم. چاپ سوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۹. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). **نامه باستان (سهراب و گردآفرید)**. ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از دکتر میر جلال‌الدین کزازی. جلد دوم. چاپ چهارم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۲۰. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). **نامه باستان (کتایون و گشتاسب)**. ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از دکتر میر جلال‌الدین کزازی. جلد ششم. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۲۱. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵). **نامه باستان (شاپور و مالکه)**. ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از دکتر میر جلال‌الدین کزازی. جلد هفتم. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۲۲. \_\_\_\_\_ . (بی‌تا). **یوسف و زلیخا**. (بی‌جا).
۲۳. **کراچی**، روح‌انگیز. (۱۳۸۲). **بانوگشسب‌نامه**. مقدمه تصحیح و توضیح دکتر روح‌انگیز کراچی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۴. **نظام‌الملک**. (۱۳۶۹). **سیاست‌نامه**. به تصحیح آقای عباس اقبال. تهران: انتشارات اساطیر.

۲۵. نظامی گنجوی. (۱۳۸۸). خسرو و شیرین. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. چاپ دوم. تهران: انتشارات زوآر.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). لیلی و مجنون. تصحیح و شرح مجدد از روی ۱۴ نسخه خطی دکتر بهروز ثروتی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). هفت پیکر. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی و به کوشش سعید حمیدیان. چاپ هشتم. تهران: انتشارات قطره.

#### ب- مقاله‌ها

۱. امیری خراسانی، احمد و اکرمی نیا عصمت، «جایگاه رجز در شعر دفاع مقدس»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ش ۱۶، صص ۴۰-۲۱.
۲. باسورث (۱۳۴۱). تشکیلات نظامی غزنوی. ترجمه سرور همایون. آریانا. شماره ۲۴۱.
۳. فلاح‌نژاد. نقی. (۱۳۹۴). نظامیات در ادبیات فارسی (مطالعه موردی؛ اسکندرنامه نظامی گنجوی. فصلنامه علوم و فنون نظامی. سال یازدهم. شماره ۳۳. صص ۸۴-۶۶.

ج- نرم‌افزارها لغتنامه دهخدا: دانشگاه تهران.